

پیشینه گروه‌های جهادی در اقلیم کردستان عراق

صبح زنگنه^۱ / حسن کریمی^۲

^۱ کارشناس ارشد مسائل منطقه‌ای و جهان اسلام sabahzanganeh@gmail.com
^۲ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران Hasankarimi62@gmail.com
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۴/۱۵)

چکیده

نگاهی به تاریخ کردستان نشان می‌دهد که سرزمین کردها در هر چهار پارچه کردستان (ایران، عراق، سوریه و ترکیه) محل زندگی فرقه‌های مختلف دینی همچون اهل سنت، شیعه، یارسان، یزیدی، شبک، بهایی و طریقت‌های قادریه و نقشبندیه و پیروان دیگر ادیان الهی همچون مسیحیت و یهودیت و همچنین پیروان آئین زردتشتی بوده است. چنین تنوعی به لحاظ عقیدتی بخشی از تاریخ کردستان بخصوص باشور کردستان (کردستان عراق) بوده است. علیرغم این تنوع فرقه‌ای در کردستان عراق و با وجود گفتمان حاکم بر این منطقه که عمدتاً گفتمان اهل سنت بوده درگیری و کشتار فرقه‌ای روایت نشده و یا اگر بوده، ناچیز بوده است. اما با رواج سلفی‌گری در کردستان، این همزیستی مسالمت‌آمیز فرقه‌ای جای خود را به تفکر خشونت‌آمیز سلفی‌گری داد. ریشه پیدایش سلفی‌گری در کردستان عراق به نفوذ تفکر اخوان المسلمین در عراق و کردستان (۱۹۴۰) بر می‌گردد. علی‌رغم اینکه اخوان المسلمین خود را یک جنبش اسلامی با خط‌مشی مسالمت‌جویانه به جهان اسلام معرفی کرده باید گفت که بیشتر رهبران گروه‌های جهادی از بطن اخوان المسلمین برخاسته‌اند و مبانی عقیدتی آنها به جماعت اخوان بر می‌گردد. به عنوان نمونه، متفکران اندیشه‌های رادیکالیسم اسلامی همچون سیدقطب مصری و ابوالعلاء مودودی پاکستانی در افکار و آراء خود امت اسلامی را به جهاد در راه خدا به منظور احیای خلافت اسلامی تشویق و دعوت نمودند. گروه‌های جهادی که در بخش‌های مختلف جغرافیای سیاسی جهان اسلام از جنوب شرق آسیا (فیلیپین) گرفته تا غرب قاره آفریقا (نیجریه) پراکنده‌اند. یکی از کانون‌های فعالیت آنها اقلیم کردستان عراق بوده است. پیدایش تفکر اخوان المسلمین در کردستان عراق از یک سو به دلیل وجود موزائیکی از اقلیت‌های قومی و مذهبی همچون کرد، ترکمن، آشوری، عرب، کلدانی، سنی شیعه، یارسان، قزلباش و شبک و از سوی دیگر فقدان یک مکانیسم حزبی از جانب احزاب ناسیونال و سکولار در این اقلیم منجر به شکل‌گیری گروه‌های جهادی و تندرویی همچون جندالاسلام، انصارالاسلام و جماعت انصارالسنه شد که با شعار بازگشت به سنت سلف صالح و مبارزه با بدعت تحت لوای احیای خلافت اسلامی در قالب جهاد در راه خدا به جنگ با احزاب کردی و ایجاد ناامنی در کردستان گام برداشت. این گروه‌های رادیکال اسلامی اگرچه توانستند اندک زمانی اوضاع سیاسی و اجتماعی کردستان عراق را متأثر سازند، ولی در نهایت کردستان از لوٹ وجود فیزیکی آنها پاک شد.

■ واژگان کلیدی:

گروه‌های جهادی، اخوان المسلمین، اقلیم کردستان، جنبش اسلامی، جندالاسلام، انصارالسنه

مقدمه

آشنایی کردها با اسلام به دوره قبل از فتوحات و زمان پیامبر (ص) برمی‌گردد. در دوره فتوحات همچنان که محقق شهیر عراقی نیز در کتاب معروف خود به نام "کردستان در برابر فتوحات اسلامی" به آن پرداخته مناطق کردنشین به سهولت در اختیار مسلمین قرار گرفته است. از نشانه‌های مسلمان شدن کردها پیوستن آن‌ها به خوارج بود. کردها بعد از اسلام آوردن توانستند به رشد و شکوفایی قابل ملاحظه‌ای دست پیدا کنند. آنان در سایه اسلام قضات، حکام، فقها، محدثین، مورخین و مفسرانی را تربیت کرده و به جامعه انسانی خدمات بس شایانی نمودند که قبل از اسلام کردها هیچ‌گاه به چنین مقام‌هایی دست پیدا نکرده بودند. کردها با عمومی شدن علم و دانش بعد از سقوط ساسانیان و نظام طبقاتی آنان که سواد را به طبقه‌ای از جامعه منحصر کرده بودند توانستند با نشان دادن خود در تمام زمینه‌ها نام کرد را در سایه اسلام جاودان گردانند. با رواج دو طریقه قادریه و نقشبندیه در جهان اسلام، کردستان بخصوص بخش شمالی عراق به کانون فعالیت‌های اجتماعی و بعداً سیاسی این طریقت‌ها تبدیل شد. یکی از این طریقت‌ها نقشبندیه است که پیشینه آن به خواجه بهاءالدین محمد نقشبند بخارائی (۷۱۸-۷۹۱ ه.ق) در بخارا و حوالی آن بر می‌گردد که بعدها این طریقت توسط یکی از مریدان کردتبار ایشان به نام مولانا خالد نقشبندی شهرزوری در اواسط قرن ۱۱ هجری- قمری در ایران (کردستان و کرمانشاهان) رواج یافت و سپس از طریق جانشینان مولانا خالد به عراق، ترکیه و سوریه گسترش یافت و دیگری طریقه قادریه است که پیرو شیخ عبدالقادر گیلانی، صوفی مشهور اهل سنت و جماعت است که ابتدا در قرن ۱۱ ه.ق در عراق رایج شد و بعدها توسط شخصی به نام شیخ اسماعیل ولیانی (۱۱۵۸ ه.ق) در کرمانشاه و به ویژه کردستان رایج و پیروان زیادی پیدا کرد. پیشینه دو طریقه فوق در کردستان عراق نشان می‌دهد که برخلاف فعالیت اصلی و اولیه آنها که همانا اجتماعی و خدمات رسانی بوده، وارد فعالیت‌های سیاسی نیز شده‌اند به گونه‌ای که شیخ محمود برزنجی از نوادگان مولانا خالد شهرزوری و معروف و مشهور به «شیخ محمود

نمر» و یا «محمود ملک» از جمله این افراد بود که قرار بود از سوی انگلیسی‌ها حاکمیت منطقه موصل و اطراف آن به وی واگذار شود. اما با خلف وعده انگلیسی‌ها و خیانتی که به کردها کردند باعث شد شیخ محمود علیه آنها وارد جنگ شود و این مبارزه تا روز مرگش به سال ۱۹۵۶ میلادی در بیمارستان صالحیه بغداد ادامه داشت. با مرگ شیخ محمود، بارزانیها بخصوص (شیخ احمد و ملا مصطفی) پسران شیخ محمد بارزانی و از نوادگان شیخ تاج‌الدین و مرید مولانا خالد شهرزوری راه او را ادامه دادند به گونه‌ای که حاصل و نتیجه مبارزات چند دهه آنها، تشکیل اقلیم کردستان عراق است. در این منطقه خودگردان به استثنای بارزانی‌ها که پیرو طریقت نقشبندیه هستند و همین مسئله آنها را به دیگر پیروان این طریقت در کشور ترکیه، از جمله حزب عدالت و توسعه وصل می‌کند، در بخش جنوبی اقلیم کردستان نیز پیروان طریقت قادریه از جمله قادریه طالبانی حضور پررنگی در فضای سیاسی و جغرافیایی کردستان عراق دارند به گونه‌ای که سید جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان و رئیس جمهور سابق عراق از پیروان طریقت قادریه و پدر وی نیز رئیس تکیه طالبانی در کوی سنجق عراق بود. با وجود اینکه احساسات اسلام‌گرایانه در هر چهار پارچه کردستان (ایران، ترکیه، سوریه و عراق) و به طور خاص اقلیم کردستان پیشینه درازی دارد، اما شکل‌گیری این احساسات به صورت سازمان یافته تا دهه ۷۰ میلادی بروز نکرد و گزارش‌چندانی هم در ارتباط با وجود سازمان‌های اسلامی کردی در این منطقه به چشم نمی‌خورد. سابقه شکل‌گیری سازمان‌های اسلامی به شکل گسترده آن در اقلیم کردستان به اواسط دهه ۷۰ میلادی بر می‌گردد یعنی دوره‌ای که مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹) بود. علت اصلی این مسئله وجود گروه‌های قومی ملی‌گرا در مناطق کردنشین ایران، ترکیه، عراق و سوریه بود. گروه‌های قومی کرد از یک سو با تأکید بر گفتمان قوم‌گرایانه و از سوی دیگر با بهره‌گیری از ایدئولوژی مارکسیستی مانع از شکل‌گیری سازمان‌های اسلامی و نمودهای آن شدند. از آنجا که مارکسیسم یک ایدئولوژی اقتدارگرا و در تضاد با لیبرال دموکراسی بود، گروه‌های کردی وابسته به آن به هیچ وجه به سایر گروه‌های سیاسی از جمله گروه‌های اسلامی اجازه فعالیت نمی‌دادند (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۰۷). به مرور زمان و همزمان با شکل‌گیری اقلیم کردستان که پیشینه آن

به اوایل دهه ۹۰ میلادی و ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق برمی‌گردد، گروه‌های اسلام‌گرای کردی با بهره‌گیری از تعدد قومی و مذهبی در کردستان و فقدان مکانیسم حزبی مناسب از جانب احزاب ملی‌گرای کرد توانستند در عرصه سیاسی و اجتماعی کردستان عراق ایفای نقش کنند و نه تنها احزاب کردی همچون حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان را به چالش کشیدند، بلکه حتی باعث ایجاد ناامنی، رعب و وحشت در کردستان شدند.

گروه‌های جهادی کردستان عراق همانند سایر جنبش‌های اسلامی دارای گرایش‌های گوناگونی هستند به گونه‌ای که آنها را می‌توان به گروه‌های میانه‌رو و افراطی تفکیک کرد. گروه‌های اسلام‌گرای کرد که از اوایل دهه ۸۰ میلادی در صحنه سیاسی و اجتماعی کردستان عراق فعال شدند به خاطر تفاوت در آراء به شاخه‌های گوناگونی تقسیم شدند که در این ارتباط می‌توان به گروه‌های اسلام‌گرایی همچون جنبش اسلامی کردستان، لشکر اسلام، جمعیت جهادی اسلام، جندالاسلام، انصارالاسلام، جماعت انصارالسنه، جماعت اسلامی، اتحاد اسلامی و... اشاره کرد. این پژوهش در صدد جوابگویی به علل شکل‌گیری گروه‌های اسلامی جهادگرا در اقلیم کردستان است.

۱- اخوان المسلمین و پیشینه آن در کردستان عراق

اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ میلادی توسط حسن البنا در شهر اسماعیلیه مصر در شمال آفریقا بنیان گذاشته شد. این جنبش در سال ۱۹۲۹ میلادی حضور خود را در عرصه سیاسی و اجتماعی مصر با شعار «الاسلام هو الحل» یعنی: «اسلام راهکار مناسب زندگی است» اعلام و هدف خود را این چنین ترسیم نمود: «الله غایتنا، والرسول قودوتنا، والقرآن دستورنا، والجهاد سبیلنا، والموت فی سبیل الله اسمی امانینا» یعنی «خداوند مقصود و هدف نهایی ماست، پیامبر پیشوای راستین، قرآن برنامه زندگی و جهاد راه ماست و والاترین آرزویمان مردن در راه خداست.» حسن البنا که این شعار و نقشه راه را برای اخوان المسلمین تعریف کرده بود در تبیین و معرفی گروه خود، علاوه بر اینکه جماعتش را گروهی دینی سلفی معرفی نمود، مجموعه‌ای سیاسی هم اعلام نمود و از اینجاست که مجوز

ورود به عرصه سیاسی را صادر کرد و به سرعت هم توانست نقش سیاسی خود را در موضع‌گیری در قبال تحولات جهان اسلام و جهان عرب ایفا نماید (محمودی، ۱۳۹۴: ۱۸۱). از دیدگاه حسن البناء اسلام تنها انجام اعمال پنجگانه نیست و در برگیرنده تمام امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان می‌باشد. لذا ضمن یکی انگاشتن دین و سیاست، مسلمانان را به ایجاد دولت اسلامی و نهایتاً احیای خلافت اسلامی در قلمرو جهان اسلام ترغیب نمود. چنین استراتژی سرآغاز گسترش تفکر اخوان المسلمین در جامعه مصر و نهایتاً دیگر ممالک اسلامی بود. با گسترش تفکر اخوان المسلمین در جهان اسلام، عراق یکی از کشورهایی بود که در دهه ۴۰ میلادی پذیرای آراء و افکار رهبران اخوان شد. در سال ۱۹۴۰ میلادی مبلغان مصری همچون حسن کمال‌الدین، محمد عبدالحمید احمد و احمد کمال منوفی به منظور تبلیغ، گسترش نفوذ و جذب اعضاء جدید وارد عراق شدند. آنها ابتدا در بصره و سپس در بغداد و موصل مستقر و به فعالیت و تبلیغ پرداختند.

با وجود اینکه شهر موصل به خاطر نزدیکی به اقلیم کردستان، دروازه ورود تفکر اخوان به مناطق کردنشین محسوب می‌شود، اما پیشینه مذهبی شهرهای کردستان از جمله حلبچه و اربیل، دانشجویان کرد مشغول به تحصیل در بغداد و بیعت کاروان‌های کرد موصل از جمله چهره‌های شاخص این کاروان همچون هاشم سلطانی و ملا عبدالحمید محمد اربیلی با حسن البناء در جریان سفر حج سال ۱۹۴۶ میلادی نیز در گسترش تفکر اخوانی در مناطق کردنشین دخیل بودند. در این میان، تشکیل مجمع آداب اسلامی در سال ۱۹۴۶ میلادی به ریاست شیخ امجد زهاوی و صواف در گسترش افکار اخوان و ایجاد تشکیلات اخوان در کردستان نقش مهمی به عهده داشت. به طور خلاصه تشکیل حزب اسلامی عراق با مشارکت طرفداران تفکر اخوان در کردستان از جمله ملا صالح عبدالکریم، شیخ عثمان عبدالعزیز، ملا عمر عبدالعزیز، ایجاد نخستین تشکیلات منسجم اخوان در شهر حلبچه به رهبری صدیق عبدالعزیز، جلال ملا صالح و عمر ریشاوی در سال‌های ۱۹۸۳ - ۱۹۷۹ میلادی را می‌توان سرآغازی برای ظهور اسلام در قالب تشکیلاتی منسجم در کردستان قلمداد نمود. تبدیل شهر حلبچه به یکی از کانون‌های مهم و نقش‌آفرین تفکر اخوان، تداوم جنبش اسلامی در کردستان، ایجاد احزاب متعدد اسلامی - جهادی در کردستان عراق و به

طور اجمالی پاگرفتن بنیان اسلام سیاسی از مهمترین پیامدهای حضور مبلغان اخوان و دیدار صواف با جنبش‌های آینده کردستان بودند. (محمودی، ۱۳۹۴: ۱۸۳)

با وجود زحمات بسیاری که مبلغان اخوان‌المسلمین در زمینه گسترش تفکرات اخوانی در کردستان عراق متحمل شدند، سرانجام زحمات آنها در دهه ۸۰ میلادی به بار نشست به گونه‌ای که در این دهه شاهد گسترش اندیشه اخوانی و ایجاد تشکیلات نسبتاً منظم اخوانی با رهبران کردتبار در کردستان عراق هستیم. نمونه بارز آن ایجاد نخستین تشکیلات منظم اخوان‌المسلمین در سال ۱۹۸۷ میلادی در شهر حلبچه به رهبری صدیق عبدالعزیز بود. البته ایجاد چنین تشکیلاتی توسط صدیق عبدالعزیز همزمان شده بود با اقدامات و فعالیت‌های صلاح‌الدین محمد بهاء‌الدین از شخصیت‌های مطرح اخوان‌المسلمین در فضای سیاسی و اجتماعی آینده کردستان عراق که در دهه ۸۰ میلادی متحمل زحمات زیادی برای ایجاد یک حزب کردی وابسته به اخوان‌المسلمین در کردستان عراق و نیروهای مذهبی آواره کرد عراقی در ایران شد. حاصل زحمات و تلاش‌های صلاح‌الدین بهاء‌الدین و دیگر همفکران اخوانی از جمله حسن شمیرانی و ریشاوی ایجاد حزبی مرتبط با اخوان‌المسلمین به نام «جمعیت انصارالاسلام» بود. دو مسئله استقلال از اخوان‌المسلمین مصر و جهاد با صدام حسین و حزب بعث که از همان ابتدا توسط برخی از اعضای حزب تازه تأسیس مورد تأکید قرار گرفته بود، زمینه فروپاشی آن را فراهم نمود چرا که مسئله استقلال از اخوان و امتناع جمهوری اسلامی ایران از همکاری با این گروه در جهت مبارزه با حزب بعث باعث ایجاد دو دستگی در میان کادر رهبری این حزب شده بود و عمر آن یکسال بیشتر طول نکشید. (سیویلی، ۲۰۰۹: ۴۵)

به طور کلی در دهه ۸۰ میلادی و در فضای سیاسی کردستان عراق سه تشکل اخوانی فعال بودند: یکی تشکیلات منظم صدیق عبدالعزیز از افراد با سابقه اخوان که در شهر حلبچه تأسیس شد. دوم افراد وابسته به صلاح‌الدین محمد بهاء‌الدین که بیشتر نگاهش متمایل به خارج از عراق و کردستان و کسب مشروعیت از سوی اخوان‌المسلمین فعال در کشورهای حوزه خلیج فارس بود. سوم گروه وابسته به شیخ عثمان عبدالعزیز بود که به صورت مستقل عمل کرد و متکی به شخصیت معنوی و قابل اعتمادش در میان نیروهای

مذهبی کردستان عراق بود. در واقع، همین سه جریان بودند که بعدها در شکل‌گیری و آرایش نیروهای اسلامی در کردستان عراق مؤثر افتاد. (محمودی، ۱۳۹۴: ۱۸۴)

۲- جنبش اسلامی کردستان عراق

جنبش اسلامی کردستان عراق به نوعی اولین و بزرگترین گروه اسلام‌گرای کرد عراقی است. این جنبش در اواسط دهه ۸۰ میلادی توسط شیخ عثمان عبدالعزیز و چند روحانی دیگر کرد از جمله ملاعلی باپیر امیر فعلی جماعت اسلامی کردستان (کومل ئیسلامی) که اکثراً از اعضاء گروه غیر سیاسی «اتحادیه علماء اسلام» بودند، در خارج از کردستان عراق (شهر سنندج) تأسیس شد. شیخ عثمان عبدالعزیز که مفتی گروه و منطقه حلبچه و هورامان بود تا زمان مرگش در سال ۱۹۹۱ میلادی رهبری جنبش را به عهده داشت. اگرچه رژیم بعث عراق در آغاز از پیدایش این گروه خشنود بود و از آن حمایت می‌نمود، اما جنبش اسلامی بزودی دشمن حزب بعث شد و با ایدئولوژی پان عربیسم آن به شدت به مخالفت برخاست. گفته می‌شود رهبران و هواداران این گروه در آغاز متأثر از اخوان المسلمین عراق و مصر بوده‌اند. آغاز مبارزات مجاهدان افغان علیه اشغال کشورشان توسط شوروی و مهاجرت عرب‌های اسلام‌گرا به رهبری عبدالله عظام فلسطینی تبار برای جهاد با اشغالگران، اسلام‌گرایان کرد عراقی را متأثر و پای آنان را به خاک افغانستان کشاند. پس از پایان جنگ افغانستان، اکراد مسلمان به کردستان بازگشته و دوباره به جنبش اسلامی کردستان پیوستند.

اواسط سال ۱۹۸۷ میلادی بود که جنبش اسلامی کردستان به طور رسمی و با اعلام جهاد به فعالیت مسلحانه علیه رژیم بعث روی آورد. با آغاز عملیات والفجر ۱۰ در جنگ ایران و عراق و پیشروی نیروهای ایرانی در کردستان عراق، جنبش اسلامی کردستان از حمایت جمهوری اسلامی ایران برخوردار شد و توانست در اوایل سال ۱۹۸۸ میلادی باعث ریشه‌کنی نیروهای عراقی در منطقه شود؛ مسأله‌ای که حمله شیمیایی صدام حسین به حلبچه در سال ۱۹۸۸ میلادی را به دنبال داشت. اگرچه توان رزمی جنبش در این حمله از بین رفت، اما تحولات بعدی خاورمیانه از جمله عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ و ایجاد منطقه امن از سوی

نیروهای آمریکایی در شمال عراق (کردستان) باعث زنده شدن دوباره جنبش اسلامی کردستان و دیگر احزاب کرد عراقی شد. جنبش اسلامی کردستان عراق همانند حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی به اعمال اقتدار در منطقه تحت نفوذ خود اقدام کرد و تلاش برای اجرای شریعت اسلامی و ارائه خدمات به هواداران خود از جمله اقدامات این گروه بود. فعالیت جنبش اسلامی برای گسترش نفوذ خود باعث به خطر افتادن اقتدار اتحادیه میهنی و درگیری میان آنها شد که نهایتاً با میانجیگری جمهوری اسلامی موافقت‌نامه صلحی میان آنها در سال ۱۹۹۷ میلادی در تهران به امضاء رسید (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۰۹).

پس از جدایی دو جناح حماس و توحید از جنبش اسلامی کردستان در اواسط دهه ۱۹۹۰، جنبش اسلامی کردستان ضمن تقویت خود، با یک گروه اسلامی دیگر موسوم به جنبش نهضت به رهبری صادق عبدالعزیز برادر عثمان عبدالعزیز رهبر جنبش اسلامی ائتلاف کرد و نام خود را به جنبش وحدت اسلامی در کردستان عراق تغییر داد. این ائتلاف نیز در سال ۲۰۰۱ میلادی با جدایی علی باپیر و هواداران خود از هم پاشید و جنبش اسلامی دوباره از وحدت اسلامی به همان نام اولیه خود تغییر پیدا کرد. (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۱۱). بعد از مرگ ملا عثمان عبدالعزیز در سال ۱۹۹۹ میلادی برادرش علی عبدالعزیز رهبری جنبش را به عهده گرفت و به دوستی و همکاری خود با اتحادیه میهنی کردستان ادامه داد که حاصل آن واگذاری پست وزارت اوقاف و دادگستری حکومت محلی به جنبش اسلامی کردستان بود.

۳- پیدایش گروه‌های رادیکال (جهادی) در کردستان عراق

اسلام‌گرایی در کردستان عراق همانند دیگر نقاط جهان اسلام از جمله خاورمیانه دچار انشعاب شد. در واقع وجود تفرقه و جدایی در داخل جنبش اسلامی، اگرچه می‌تواند ناشی از سیاست‌های درون جنبش باشد، اما اساساً نمایانگر دگرگونی در میان جنبش‌های اسلامی خشونت‌گرا در جهان اسلام از جمله خاورمیانه است. جنبش اسلامی کردستان که در سال ۱۹۸۷ میلادی در شهر سنندج مرکز استان کردستان ایران شکل گرفت، در واقع، نخستین گروه جهادی فراگیر در کردستان عراق بود که ضمن اعلام جهاد علیه حزب بعث، با ایجاد

چهار گردان جهادی به جنگ با آنها شتافت. این حزب فراگیر اسلامی با وجود اصراری که بر رویکرد جهادی داشت، به خاطر سازش و همسوئی با دیگر احزاب کردستان همچون اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان و مشارکت در امور سیاسی دچار انشعاب شد، به گونه‌ای که خروجی آن، ظهور چند گروه جهادی- سلفی از درون جنبش اسلامی کردستان بود:

۱-۳- سپاه اسلام

سپاه اسلام به رهبری عباس شیک نخستین گروه رادیکال در کردستان عراق بود که در سال ۱۹۸۱ میلادی به منظور مقابله با حزب بعث و انجام عملیات جهادی تأسیس شد. این گروه جهادی تنها یک سال دوام آورد و به وسیله اتحادیه میهنی کردستان از هم پاشید.

۲-۳- جمعیت جهادی اسلام

این گروه جهادی در سال ۱۹۸۲ به وسیله ملا پیرداوود خوشناو شکل گرفت و دست به انجام یک رشته اقدامات جهادی پراکنده زد. پس از ایجاد مناطق پرواز ممنوع در شمال عراق در اوایل دهه ۱۹۹۰ و نهایتاً شکل‌گیری حکومت اقلیم کردستان در سال ۱۹۹۲، رهبر و اعضاء این گروه جهادی به جنبش اسلامی کردستان ملحق شدند.

۴- گروه‌های اسلامی- تکفیری در کردستان عراق

موقعیت جغرافیایی کردستان عراق، نحوه اداره این منطقه به صورت سکولار، رابطه پنهانی رهبران مذهبی کردستان با سران جهادی افغان و عرب، نهادینه شدن مفهوم جهاد و احیای خلافت اسلامی، فعالیت وابستگان به تفکر اخوان المسلمین و از همه اینها مهمتر اصطکاک بین احزاب سیاسی اقلیم کردستان همچون حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و فقدان یک حکومت مرکزی منسجم و قوی در بغداد باعث شد تا عراق و بخصوص کردستان به مکان مناسبی جهت انجام فعالیت‌های جهادی توسط گروه‌های تندرو تبدیل شود. جنبش اسلامی کردستان که در سال ۱۹۸۷ در کردستان ایران شکل گرفته بود و مبارزه با حزب بعث عراق را در کارنامه سیاسی خود داشت، به خاطر مدارا با احزاب غیر مذهبی کردستان از جمله اتحادیه میهنی کردستان، عدم اصرار بر اجرای شریعت اسلامی در منطقه تحت کنترل جلال طالبانی و از

همه اینها مهمتر مشارکت در امور سیاسی اقلیم کردستان مورد مواخذه اعضای تندرو خود از جمله «ملا کریکار» و «آکو هولیری» قرار گرفت و آنها را واداشت تا از جنبش اسلامی کردستان جدا شده و خود شخصاً به همراه دیگر هواداران خود اقدام به تأسیس گروه‌های جهادی-تکفیری در مناطق تحت اداره بارزانی و طالبانی بکنند. گروه‌های جهادی منفک شده از جنبش اسلامی کردستان در بیانیه آغازین خود از یک جهت بر اجرای شریعت اسلام و احیای خلافت اسلامی تأکید کردند و از جهتی دیگر علیه احزاب سکولار کردستانی و طرفداران آنها حکم جهاد صادر کردند. گروه توحید، حماس، جندالاسلام و جماعت انصارالسنه از جمله گروه‌های جهادی بودند که در فضای سیاسی کردستان عراق نقش ایفا کردند.

۱-۴- گروه جهادی حماس

سازش میان جنبش اسلامی کردستان و احزاب سکولار کرد و خودداری رهبران جنبش اسلامی از جهاد با آنان، زمینه را برای ظهور نخستین گروه جهادی در فضای سیاسی کردستان فراهم کرد. این گروه جهادی توسط شخصی به نام عمر بازیانی به منظور جهاد علیه احزاب کرد و در نهایت ایجاد امارت اسلامی شکل گرفت. این گروه که مرکز اعمال حاکمیت آنها شهر خرمال از توابع حلبچه بود، مرتکب اقدامات ستیزه‌جویانه علیه احزاب کردی شدند. نهایتاً حماس به خاطر حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با گروه جهادی توحید ائتلاف کرد و جبهه اسلامی توحید را تأسیس کردند.

۲-۴- گروه جهادی توحید

توحید یک گروه جهادی بود که هسته اصلی شکل‌گیری آن در منطقه تحت کنترل بارزانی یعنی شهر اربیل قرار داشت. هسته اصلی این گروه جهادی در یکی از مساجد شهر اربیل توسط شخصی بنام ملاعلی الغنی بزازی شکل گرفته بود. این گروه به رهبری ابوبکر شافعی در منطقه شکل‌گیری خود و تحت کنترل حزب دمکرات بارزانی مرتکب جنایات هولناکی شده و با اقدامات افراطی خود شهر اربیل پایتخت فعلی حکومت اقلیم کردستان را ناامن کرده بود. این گروه جهادی که پس از ائتلاف با واحد دو سوران، تروریست‌های جهادی خطرناکی چون آکو هولیری و آسو هولیری را در بدنه جهادی خود داشت؛ با ترور فرانسوا حریری از اعضاء مسیحی حزب دمکرات کردستان و استاندار اربیل در سال ۲۰۰۱،

حزب دمکرات کردستان عراق را ناراحت کرد و منجر به درگیری میان حزب دمکرات و این گروه جهادی شد.

۳-۴- جندالاسلام

جندالاسلام حاصل ائتلاف میان گروه‌های جهادی حماس، توحید و واحد دو سوران پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. رهبری ائتلاف جدید به عهده شخصی به نام عبدالله شافعی بود که علیه گروه‌های سکولار چپ در منطقه اعلام جهاد کرد. جندالاسلام که از همان ابتدا درگیر جنگ مسلحانه با اتحادیه میهنی کردستان شده بود پس از چند ماه دچار شکست اساسی شد و عقب‌نشینی کرد و همین عقب‌نشینی باعث اختلاف در درون این گروه جهادی شد. در چنین شرایطی یکی از اعضای برجسته رادیکال جندالاسلام به اسم نجم‌الدین فرج احمد معروف و مشهور به ملا کرکار (کارکر) که با گروه‌های عرب در افغانستان همکاری داشت و در اوایل دهه ۹۰ میلادی به جنبش اسلامی کردستان پیوسته بود، ضمن تغییر نام «جندالاسلام» به «انصارالاسلام» رهبری آن را بر عهده گرفت.

۴-۴- انصارالاسلام

مهمترین گروه انشعابی از جنبش اسلامی کردستان عراق که بعدها شهرت فراوانی بدست آورد «انصارالاسلام» بود. انشعاب انصارالاسلام و دیگر گروه‌ها نتیجه توافق میان جنبش اسلامی و اتحادیه میهنی کردستان با میانجیگری جمهوری اسلامی ایران در می ۱۹۹۷ در تهران بود. پذیرش جنبش اسلامی کردستان از عدم اجرای شریعت اسلامی در منطقه تحت کنترل خود، که بخشی از قلمرو طالبانی در درون حکومت محلی اقلیم کردستان بود، باعث ناراحتی اعضای تندرو جنبش اسلامی شد. این اعضاء که تحت تأثیر ایدئولوژی افراطی سلفی و به نوعی وهابی قرار داشتند، کسانی بودند که در سال‌های جهاد در افغانستان در قالب گروه‌های رادیکال اسلامی عرب یا همان عرب‌های افغان به همراه گروه‌های جهادی افغانستان علیه اشغال شوروی جنگیده بودند و در پایان دهه ۸۰ میلادی به کردستان عراق برگشته و به جنبش اسلامی کردستان پیوسته بودند. انصارالاسلام که رهبری آن را «ملا کریکار» برعهده داشت، پیش از جدایی از جنبش اسلامی کردستان معتقد بود که هدف اسلام‌گرایان کرد باید سرنگونی رژیم بعث و برقراری حکومت اسلامی

باشد. انصارالاسلام با رهبری ملا کریکار که خواستار اجرای شریعت اسلامی و مبارزه با احزاب کرد و دولت عراق بود، دور تازه‌ای از مبارزات مسلحانه علیه گروه‌های سکولار کردی را آغاز کرد. منابع محلی بر آن بودند که کریکار و انصارالاسلام در پی تبدیل حکومت محلی کردستان عراق به یک حکومت تازه به شیوه حکومت طالبان بوده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۱۵). در نتیجه جنگ میان انصارالاسلام و اتحادیه میهنی کردستان، صدها نفر از جمله دهها عضو اتحادیه میهنی کشته شدند. اگرچه اتحادیه میهنی توانسته بود اسلام‌گرایان افراطی کرد به ویژه انصارالاسلام را مهار کند، اما نتوانست آنها را به طور کامل منهدم نماید. دستگیری ملا کریکار رهبر انصارالاسلام در سال ۲۰۰۲ در کشور هلند باعث تضعیف انصارالاسلام شد، اما جانشین او ابوعبدالله شافعی توانست ضمن حفظ انسجام گروه، به فعالیت‌های آن تداوم بخشد. پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و خلا قدرت در این کشور، انصارالاسلام علیه احزاب سکولار کرد و حامیان آمریکایی آنها دست به اقدامات مسلحانه زد. نگرانی آمریکایی‌ها از گسترش رادیکالیسم اسلامی شبیه آنچه که در افغانستان بود، آنها را ترغیب به همکاری با اتحادیه میهنی علیه انصارالاسلام کرد (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۱۶).

۵-۴- جماعت انصارالسنه

پس از دستگیری ملا کریکار در هلند و حملات مشترک اتحادیه میهنی کردستان و ایالات متحده آمریکا علیه انصارالاسلام، کادر جدید رهبری نام انصارالاسلام را به «جماعه انصارالسنه» تغییر داد. انصارالسنه به همراه دیگر گروه‌های رادیکال اسلامی عراق همچون جماعت توحید و جهاد به رهبری ابو مصعب زرقاوی از سال ۲۰۰۳ میلادی به این سو، دست به مبارزه مسلحانه علیه آمریکایی‌ها و متحدان آنها در عراق زد. انصارالسنه در عملیات بمب‌گذاری در سال ۲۰۰۴ علیه حزب دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان در اربیل پایتخت اقلیم کردستان ۱۰۹ نفر را کشت. در سال ۲۰۰۷ رهبران انصارالسنه تصمیم گرفتند این نام را کنار گذاشته و دوباره نام انصارالاسلام را برای خود برگزینند. شافعی رهبر گروه این تغییر نام و برگشت به نام قبلی را متوجه مسئولیت آنها می‌کند که همانا دفاع از اصول بنیادین اسلام و وحدت مسلمانان است. دستگیری ابوعبدالله شافعی رهبر انصارالاسلام در سال ۲۰۱۰ در شهر بغداد از سوی نیروهای آمریکایی ضربه سختی را به این گروه وارد نمود (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۱۶).

۵- گروه‌های اسلامی میانه‌رو در کردستان عراق

بر خلاف دیگر گروه‌های رادیکال اسلامی در کردستان، که به منظور اجرای کامل شریعت اسلامی و ایجاد نظام اسلامی دست به اقدامات خشونت‌آمیز در کردستان زده و موجی از خشونت و آدم‌کشی را به راه انداختند، گروه‌های اسلامی میانه‌رویی در اقلیم کردستان وجود دارند که از افراطی‌گری و خشونت دوری کرده‌اند. این گروه‌ها علی‌رغم اینکه طرفدار اجرای شریعت اسلامی و برقراری حکومت اسلامی هستند با درک موقعیت جغرافیایی کردستان، اوضاع سیاسی و اجتماعی این منطقه و تحولات منطقه‌ای و جهانی، از افراطی‌گری دوری کرده و حضور در فضای سیاسی و اجتماعی کردستان و تعامل با احزاب سکولار کردی را در دستور کار خود قرار داده‌اند چرا که اوضاع محلی، منطقه‌ای و جهانی به شدت ضد افراطی‌گری آن هم از نوع اسلامی است. در میان احزاب میانه‌رو در اقلیم کردستان می‌توان به جماعت اسلامی کردستان و اتحاد اسلامی کردستان اشاره کرد. در طول دوران پس از تثبیت فدرالیسم در کردستان عراق این دو حزب اسلام‌گرا با دیگر احزاب سکولار کرد همچون اتحادیه میهنی، حزب دمکرات کردستان و جنبش تغییر (گوران) متناسب با منافع حزبی خود همکاری و نزدیکی‌هایی داشته‌اند. به عنوان نمونه، اتحاد اسلامی کردستان به اتحادیه میهنی کردستان و حزب جماعت اسلامی کردستان به حزب گوران نزدیک شده است. اما در ارتباط با رابطه این احزاب اسلامی با حزب دمکرات کردستان باید گفت که رابطه سران این احزاب اسلام‌گرا با مسعود بارزانی چندان خوب نبوده است به گونه‌ای که ملا علی باپیر و اعضاء حزبش به خاطر بعضی از اقدامات افراط‌گرایانه از جمله بی‌حرمتی به سرود ملی کردها (ای رقیب) در شهر اربیل مبنی بر اینکه برخی از جملاتش با اسلام راستین منافات دارد و صلاح‌الدین بهاء‌الدین نیز در سال ۲۰۱۲ به اتهام جاسوسی و مطالب خلاف واقع مورد سوءظن حزب دمکرات قرار گرفتند. به وجود آمدن چالش میان مسعود بارزانی و سران احزاب اسلامی به نچيروان بارزانی برادرزاده مسعود بارزانی و نخست‌وزیر اقلیم این فرصت را داد تا با تطمیع، اراده آنها را بدست آورد به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۲ اگر وساطت نچيروان بارزانی نبود، صلاح‌الدین محمد بهاء‌الدین رهبر فعلی اتحاد اسلامی را به اتهام جاسوسی دستگیر می‌کردند. به طور کلی اتحاد اسلامی

و جماعت اسلامی به خاطر تمامیت خواهی بارزانی‌ها میانه خوبی با حزب دمکرات ندارند و خواهان اجرایی شدن قانون اساسی در این اقلیم هستند و ریشه مشکلات امروز اقلیم کردستان را کنار رفتن بارزانی از منصب ریاست اقلیم و بازگشایی پارلمان کردستان می‌دانند. (روزنامه هاوولاتی، ۲۰۱۶، اقلیم کردستان)

۱-۵- جماعت اسلامی کردستان

این گروه همانند سایر گروه‌های اسلامی از جنبش اسلامی کردستان جدا شد. ملا علی باپیر از اعضای جدا شده جنبش اسلامی در می سال ۲۰۰۱ با تأسیس «جماعت اسلامی کردستان» به عنوان یکی از فعال‌ترین گروه‌های اسلامی وارد صحنه سیاسی و اجتماعی کردستان عراق شد. علی‌رغم اینکه این گروه را به دلیل ماهیت رادیکال آن در زمره گروه‌های مرتبط با انصار الاسلام دانسته‌اند، ولی این گروه با انتشار بیانیه‌ای در سال ۲۰۰۴ میلادی وجود چنین رابطه‌ای را تکذیب کرد. جماعت اسلامی در کنار فعالیت‌های رادیکال خود، کوشیده تا با مشارکت در انتخابات منطقه فدرال کردستان و ملی عراق، بتواند به جایگاه مناسبی در اقلیم کردستان و دولت عراق دست یابد. جماعت اسلامی در جریان انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۰۵ توانست به یک کرسی در مجلس عراق دست یابد و در انتخابات مجلس محلی کردستان نیز که در همان تاریخ برگزار شد، موفق به کسب ۶ کرسی در پارلمان اقلیم کردستان شد. جماعت اسلامی همچنین در سال ۲۰۰۹ پس از ائتلاف با سه حزب اتحاد اسلامی کردستان، سوسیال دمکرات کردستان و حزب آینده توانستند ۱۳ کرسی از مجموع ۱۱۱ کرسی پارلمان محلی کردستان را به خود اختصاص دهند و در سال ۲۰۱۰ هم در انتخابات پارلمانی عراق که به صورت مستقل شرکت کرده بود، توانست ۲ کرسی از کرسی‌های پارلمان عراق را از آن خود کند. علی باپیر به تبعیت از گروه‌های جهادی خود را «امیر» جماعت اسلامی کردستان معرفی می‌کند و از القابی همچون «رئیس یا رهبر» که در میان احزاب غیر مذهبی کردستان رایج است، بشدت متنفر است. این حزب برای پخش برنامه‌های خود در کردستان عراق و دیگر کردهای منطقه از شبکه ماهواره‌ای «پیام» و شبکه‌های تلویزیونی «جماعت اسلامی رانیه»، «پرورده»، «خاک»، «چاو»، «هنا» و... استفاده می‌نماید.

۲-۵- اتحاد اسلامی کردستان

همکاری میان دو گروه هوادار اخوان المسلمین یعنی صدیق عبدالعزیز و صلاح‌الدین محمد بهاء‌الدین در سال ۱۹۹۴ منجر به شکل‌گیری اتحاد اسلامی کردستان به رهبری صلاح‌الدین بهاء‌الدین شد. این حزب با اتخاذ مشی عدم خشونت و دعوت گام به گام به شیوه اخوان المسلمین و مشارکت در انتخابات و انجام اعمال خیریه در ساختار قدرت اقلیم کردستان سهیم شد به گونه‌ای که امروزه بعد از احزاب دمکرات، اتحادیه میهنی، گوران به عنوان چهارمین حزب دارای تشکیلات منظم و صاحب وزن در اقلیم کردستان عراق شناخته می‌شود. مرکز اصلی این حزب در شهر اربیل پایتخت اقلیم کردستان است. اتحاد اسلامی با دیگر احزاب غیر مذهبی کردستان بخصوص اتحادیه میهنی رابطه مناسب و خوبی دارد. این حزب در میان دانشجویان مناطق کردنشین عراق پایگاه مهمی دارد. این گروه اسلامی برخلاف سایر گروه‌های کردی، دارای نیروی مسلح نیست و تنها اسلحه این حزب یک شبکه تلویزیونی است که در برنامه‌های خود در صدد است تا تصویری از یک دمکراسی معتدل اسلامی را به نمایش بگذارد. اتحاد اسلامی در انتخابات سراسری عراق در سال ۲۰۰۵ توانست پنج کرسی از مجموع ۲۷۵ کرسی پارلمان عراق را به خود اختصاص دهد. هادی علی یکی از رهبران اتحاد اسلامی معتقد است که حزب متبوعش از یک دمکراسی فراگیر در چهارچوب اسلام که بسیار به دمکراسی غربی شباهت دارد، حمایت می‌کند. با این همه عده‌ای از پژوهشگران غربی، اتحاد اسلامی و رشد آن را در کردستان عراق، خطری بزرگ برای منافع آمریکا و در کل جهان غرب در نظر می‌گیرند. اتحاد اسلامی کردستان نیز با توجه به پایگاهی که در میان جوانان کرد دارد برنامه‌های خود را از طریق شبکه‌های تلویزیونی «موسیقی کردی kmc»، «بیان» و... برای هواداران خود در اقلیم کردستان و خارج از آن پخش می‌کند.

۲-۶- ارتباطات خارجی گروه‌های اسلامی کردستان عراق

بدون شک گروه‌های اسلام‌گرای کردستان عراق اعم از رادیکال و میانه‌رو دارای ارتباط با کشورهای خارجی و سایر جریان‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه هستند. مسأله‌ای که در دو سطح جمهوری اسلامی ایران و سلفی-القاعده‌ای قابل بحث است.

۱-۶- ارتباط گروه‌های اسلامی کردستان با کشورهای اسلامی

به طور یقین تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم جنبش اسلامی کردستان عراق و گروه‌های اسلامی زاده شده از دل این جنبش از جمهوری اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست؛ اما در ارتباط با چگونگی رابطه میان آنها اطلاعات چندانی در دسترس نیست. لذا چنین ابهامی به چگونگی سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به خود عراق به طور کلی و شمال عراق (کردستان) به طور خاص بر می‌گردد. در حالی که جمهوری اسلامی ایران در اواسط دهه ۱۹۸۰ از گروه‌های اسلامی کرد حمایت می‌کرد، در دهه ۹۰ میلادی و بخصوص آغاز هزاره سوم سیاست ایران تغییر کرد که این امر می‌تواند دو دلیل داشته باشد: یکی جغرافیای سیاسی کردستان عراق و دیگری سنی بودن گروه‌های اسلامی کردستان. با توجه به اینکه گروه‌های اسلام‌گرای کردستان عراق سنی شافعی مذهب هستند، علی‌رغم معتدل بودن مذهب شافعی و ارادت آنها نسبت به اهل بیت پیامبر (ص)، نمی‌توان از آنها انتظار داشت که از کشورهای اسلامی اهل سنت دل بکنند و دوست و همکار جمهوری اسلامی ایران شوند چرا که اسلام‌گرایان رادیکال کرد به منظور مقابله با احزاب سکولار کرد و برقراری حکومت اسلامی مدنظر خود به شدت از سوی جریان‌های سلفی- وهابی در قطر و عربستان حمایت می‌شدند و از سوی دیگر جمهوری اسلامی به شدت طرفدار و حامی حکومت گروه‌های شیعی حاکم بر عراق است و حمایتش از اسلام‌گرایان کرد نه استراتژیک، بلکه تاکتیکی بوده است، مسأله‌ای که در همراهی و نزدیکی اسلام‌گرایان کرد با جریان‌های حنبلی- وهابی بی‌تأثیر نبوده است.

جنگ سرد اسلامی که از دهه ۸۰ میلادی میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی و مدافع شیعیان و عربستان سعودی که خود را رهبر جهان اهل سنت معرفی می‌کند در گرفت و با نفوذ ایران در کشورهای سوریه، یمن، لبنان، بحرین و نهایتاً حاکمیت اکثریت شیعیان بر نظام سیاسی عراق و نفوذ ایران در هیأت حاکمه این کشور به عنوان دومین کشور نفت‌خیز و پرجمعیت شیعه تکمیل شد، در خاورمیانه اسلامی مورد سوءظن کشورهای اسلامی منطقه (عمدتاً اهل سنت) واقع شد. بحث هلال شیعی که ابتدا توسط ملک عبدالله دوم پادشاه اردن هاشمی و در ادامه رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه که از سال ۲۰۰۴ به این سو کلید

خورد و وارد ادبیات سیاسی منطقه شد، در همین ارتباط بود. مراد از هلال شیعی، هلال سیاسی نیست بلکه هلال اقتصادی (نفت) است که ذخایر آن عمدتاً در مناطق شیعه‌نشین خاورمیانه (ایران، عراق و بخش شرقی عربستان) قرار دارد. لذا کشورهای اسلامی منطقه از جمله عربستان سعودی، ترکیه و قطر به هر نحو ممکن در صدد قطع این هلال به اصطلاح شیعی هستند تا اولاً نفوذ جمهوری اسلامی را در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه با چالش مواجه سازند. ثانیاً از قدرت گرفتن شیعیان در منطقه جلوگیری کنند. بنابراین عراق به یکی از کانون‌های رقابت منطقه‌ای تبدیل شد، جایی که گروه‌های رادیکال اسلامی همچون القاعده، انصارالاسلام، انصارالسنه و اخیراً داعش باعث ناامنی در این کشور اسلامی شده‌اند.

با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ که شیعیان در این کشور قدرت را در دست گرفتند، به خاطر نفوذ ایران و وابستگی میان این دو کشور تا به امروز این کشور به استثناء منطقه فدرال کردستان درگیر جنگ و ناامنی است و به کانون زورآزمایی غرب، قدرت‌های منطقه‌ای، دولت مرکزی عراق و گروه‌های سلفی جهادی مثل القاعده، انصارالاسلام و داعش تبدیل شده است. بخش زیادی از ناامنی امروز عراق نتیجه دخالت قدرت‌های منطقه‌ای بخصوص ترکیه، عربستان و قطر در عراق و رابطه پیدا و پنهان آنها با گروه‌های رادیکال اسلامی به اصطلاح سلفی - تکفیری و سلفی - جهادی است. دولت ترکیه از مسلح کردن گروه‌های تندرو اسلامی در سوریه و عراق گرفته، تا خرید نفت از داعش، تحویل دادن سالم دیپلمات‌های دستگیر شده ترک در موصل توسط داعش، انتقال ذخایر گندم سوریه در ترکیه، اجازه تردد به تروریست‌ها جهت ورود به سوریه نمونه‌هایی از ارتباط میان ترکیه و گروه‌های افراطی در عراق و سوریه می‌باشد. عربستان سعودی نیز یکی دیگر از کشورهای است که برخلاف ترکیه سابقه طولانی در افراطی‌گری و ترویج آن دارد به گونه‌ای که ریشه آن به پیدایش وهابیت در عربستان بر می‌گردد. ظهور وهابیت در عربستان به سال ۱۷۴۴ میلادی بازمی‌گردد. اقدام محمد بن عبدالوهاب در اعلام جهاد علیه مسلمانان به اتهام شرک و بدعت و تحریک اعراب بادیه‌نشین جنایتی را باعث شد که با کمک ابن سعود سرآغاز مجموعه حملات سازمان یافته علیه مسلمانان اهل سنت و شیعیان بود. وهابیان به رهبری سعود بن عبدالعزیز در سال ۱۸۰۴ میلادی شهر مکه را به اشغال خود درآوردند و

بسیاری از مساجد و زیارتگاه‌های آن را تخریب کردند. آنها پس از پیروزی بر مکه، روی به مدینه آوردند و پس از محاصره این شهر و قتل عام مردم، آن را اشغال کردند. آنان پس از اخراج مأموران عثمانی، اقدام به تخریب قبور بقیع و دیگر قبور کردند. آنها حتی قصد داشتند بارگاه پیامبر (ص) را نیز تخریب کنند که به دلایلی موفق به انجام این کار نشدند.

در سال ۱۸۹۸ میلادی امیر سعود بن عبدالعزیز در رأس نیروهای بسیاری از مردم نجد و حجاز و نواحی دیگر به عراق حمله کرد و کربلا را محاصره و پس از ورود به شهر ضمن غارت و کشتار مردم، حرم امام حسین (ع) را غارت و تخریب کرد. غارت نجف و کشتار مردم بی‌گناه نجف از دیگر جنایت‌های سعود بن عبدالعزیز بود. در ادامه بررسی جنایت‌های عربستان سعودی بایستی توجه شود که عربستان به عنوان «بنیان‌گذار منطقه‌ای تروریسم» در خاورمیانه شناخته شده و این مسئله به طور رسمی با حمایت از طالبان و شکل‌دهی به القاعده شکل عملی به خود گرفته است. این اقدام در حالی توسط عربستان آغاز شد که توجیه آنها حمایت مالی و تسلیحاتی از مجاهدان افغان در مقابل اشغالگران شوروی بود. در راستای سیاست سنتی حمایت و پرورش تروریسم، عربستان یکی از اصلی‌ترین کارگزاران جنگ برای سازماندهی گروه‌های ایدئولوژیک با رویکرد تکفیری محسوب می‌شود و از بازیگران اصلی سیاست‌های غرب در منطقه است. جایگاه عربستان در حمایت از گروه‌های تندرو به حدی است که اخیراً با جمع کردن رهبران گروه‌های سلفی- جهادی مستقر در سوریه نقش بسیار مهمی در انسجام بین آنها داشته است. علاوه بر این «ویکی لیکس» اسناد دیپلماتیک محرمانه بسیاری از وزارت خارجه عربستان را منتشر کرده، که بیانگر میزان دخالت دولت سعودی در امور داخلی سوریه و عراق است. از دیگر جنایات ضد انسانی عربستان سعودی که در امتداد سیاست سنتی این کشور یعنی تروریست پروری قرار دارد، حمایت تمام عیار مالی و تسلیحاتی از بزرگترین و ثروتمندترین گروه تروریستی تاریخ یعنی داعش است. در همین ارتباط پایگاه «ورلدنت دیلی» سال گذشته با انتشار گزارشی جنجالی از اعطای کمک مالی ۳۵۰ میلیون دلاری آل سعود به تروریست‌های داعش در سوریه و عراق خبر داد. مداخله در امور داخلی بحرین، تجاوز به یمن، فعالیت در اقلیم کردستان از جمله کمک خیریه یک میلیون دلاری سالیانه به اقلیم کردستان و ارتباط مخفیانه با

اسلام‌گرایان تندرو کرد به علاوه اعطای کمک مالی به آنها و نهایتاً دست داشتن در کشتار شیعیان نیجریه از دیگر اقدامات افراطی سعودی‌ها در جهان اسلام است.

بالاخره، بعد از عربستان، قطر مهمترین کشور در جهت ترویج جریان تکفیری بخصوص «نوسلفی تکفیری» است. مهمترین مأموریت قطری‌ها بی‌ثبات‌سازی کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن از طریق گسترش نو سلفی‌گری بود. قطر می‌خواهد نقش محوری در بیشتر مسائل کشورهای اسلامی بازی کند و با سوءاستفاده از ضعف کشورهای خاورمیانه به نفوذ خود در این کشورها بیفزاید که دست بر قضا یکی از این کشورها عراق است. سایت «ویکی لیکس» در سال گذشته از همکاری میان قطر و اقلیم کردستان با داعش پرده برداشت و این افشاگری در حالی صورت می‌گیرد که داعش و گروه‌های اسلامی هوادارش همچون انصارالاسلام در اقلیم کردستان ضمن عضوگیری، مرتکب بدترین نوع تروریسم یعنی «تروریسم جنسی» شدند و بسیاری از زنان و دختران شنگالی را به نام اسلام مورد تعرض قرار دادند. از سوی دیگر امروزه بیشتر رهبران اخوان المسلمین که در کشورهای عربی مورد غضب واقع شده‌اند به قطر پناه می‌برند.

دولت قطر نیز از سال ۲۰۱۱ تاکنون سیاست حمایت از جریان‌های اسلامی را در دستور کار خود قرار داده است و همین مسئله باعث شده تا فعالان مذهبی و سیاسی اخوان المسلمین در قطر جمع شوند و مورد حمایت قرار گیرند. به همین خاطر از کردستان عراق نیز روحانیونی با گرایش اخوانی به قطر مهاجرت کردند که در این میان می‌توان به کسانی چون ملا کریکار (کرکار) رهبر انصارالاسلام، ملا علی باپیر رهبر (امیر) حزب جماعت اسلامی کردستان و اما مهمترین و سرشناس‌ترین آنها شیخ علی قره داغی دبیرکل اتحادیه جهانی علماء اسلام، عضو مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و استاد فقه و اصول دانشگاه قطر است که علی‌رغم اینکه دارای گرایشی اخوانی است اما بر خلاف ملا کریکار و ملا علی باپیر، دارای شخصیتی اعتدالی و قابل احترام در جهان اسلام و کردستان می‌باشد اشاره کرد. او به عنوان یکی از بنیان‌گذاران اتحادیه علماء جهان اسلام، عضو مجمع فقهی مکه مکرمه، عضو شورای اروپایی افتاء، بنیان‌گذار مؤسسات امدادرسان در کشورهای اسلامی و رئیس تعدادی از هیأت‌های شرعی ناظر بر مؤسسات مالی اسلامی در سال‌های اخیر سفرهایی را به همراه هیأتی از اتحادیه علماء جهان

اسلام به کشورهای اسلامی همچون ترکیه، داغستان و بعضاً اروپا داشته است که تلاشی جهت تقویت رابطه بین کشورهای اسلامی و اتحادیه علماء جهان اسلام، نقش مثبت علماء در مقابله با اندیشه‌های رادیکال، ترویج بانکداری اسلامی و به طور کلی دفاع از اعتبار اسلام به عنوان دین صلح، وحدت و رافت و محکوم نمودن افراطی‌گری در جهان است. بدون شک چنین حمایتی توسط قطر از روحانیون کرد دارای آثاری بر اقلیم کردستان بوده است به عنوان نمونه از یک سو می‌توان به فعالیت شرکت‌های قطری در اقلیم کردستان و همچنین حمایت مالی آنها از گروه تندرو انصار الاسلام و احزاب میانه‌رو جماعت اسلامی و اتحاد اسلامی کردستان اشاره نمود و از سوی دیگر نیز قطر به لحاظ سیاسی به پایگاهی برای حمایت از مشروعیت سیاسی کردستان در خاورمیانه تبدیل شده است. تحت پوشش قرار دادن تحولات کردستان از جمله اقلیم کردستان توسط شبکه الجزیره، سفر مقامات اقلیم کردستان به قطر و سفر وزیر خارجه قطر به اقلیم کردستان و افتتاح کنسولگری این کشور در اقلیم کردستان، میزبانی قطر از نشست کرد و عرب در دوحه در سال جاری و از همه مهمتر شیخ علی قره داغی همزمان با مطرح شدن بحث همه‌پرسی در اقلیم کردستان و رایزنی احزاب کردستانی در منطقه، تشکیل دولت مستقل کردستان را حق مشروع کرده‌ها دانست. مسأله‌ای که با واکنش مقامات سیاسی قطری و اتحادیه علماء جهان اسلام مواجه نشد. مسأله همه‌پرسی استقلال در داخل اقلیم کردستان از سوی احزاب اسلامی همچون اتحاد اسلامی و جماعت اسلامی مورد حمایت قرار گرفته است. چنین حمایتی از استقلال اقلیم کردستان از سوی احزاب اسلامی کرد چندان غیر منتظره و تأمل برانگیز نیست چرا که بسیاری از رهبران مبارز راه آزادی‌بخشی کردستان در طول تاریخ از دل اسلام‌گرایان کرد برخاسته‌اند که در این میان می‌توان به رهبرانی چون شیخ عبیدالله نه‌ری (۱۸۸۱)، شیخ سعید پیران (۱۹۲۵)، قاضی محمد (۱۹۴۶ تا ۱۹۴۵)، شیخ محمود برزنجی (۱۹۵۶ تا ۱۹۱۹)، شیخ عبدالسلام، شیخ احمد و ملا مصطفی بارزانی (۱۹۷۹ تا ۱۹۱۴) و... اشاره کرد. هرکدام از رهبران ذکر شده منتسب به طریقت خاصی (قادریه و نقشبندیه) در کردستان بوده و مریدانی نیز داشته‌اند که در ترویج فکر آزادی‌خواهی و کاشتن نهال آزادی در کردستان بسیار مؤثر بوده و امروز هم مبانی نظری آنها هم از سوی ملی‌گرایان و هم از سوی احزاب اسلامی کردستان دنبال می‌شود.

چنین اقداماتی از جانب گروه‌های رادیکال اسلامی و کشورهای حامی آنها در خاورمیانه باعث شده که مسئله فلسطین و قدس شریف به عنوان مسئله اول جهان اسلام به دست فراموشی سپرده شده و رژیم صهیونیستی توانسته از آشوب و ناامنی موجود در منطقه حداکثر استفاده را برده و ضمن تحقیر ملت مظلوم فلسطین، به سیاست شهرک سازی خود ادامه می‌دهد. اما اگر ابتکار امام خمینی (ره) نبود، شاید اوضاع فلسطین از این هم بدتر بود. امام خمینی با قرار دادن فلسطین در کانون مبارزات خود قبل از انقلاب اسلامی و تبدیل حمایت از آرمان فلسطین به یکی از اولویتهای اصلی سیاست خارجی ایران در دوره بعد از انقلاب علاوه بر اینکه ملت فلسطین را بر اساس استفاده از آموزه‌های اسلامی در آزادسازی فلسطین از حاشیه به متن آورد یک دستاورد مهم نیز برای جهان اسلام به ارمغان آورد و آن تقویت وحدت مسلمانان اعم از شیعی و سنی حول «مسئله فلسطین» بود. بنابراین هر زمان که مسئله فلسطین در کانون توجه و اولویت مسلمانان و کشورهای اسلامی قرار داشته از میزان اختلاف میان آنها کاسته شده و برعکس هر وقت فلسطین از اولویت آنها برداشته شده بلافاصله تفرقه در میان کشورهای اسلامی شدید شده است. نمونه بارز در این زمینه می‌توان به رخدادهای تلخ چند سال گذشته خاورمیانه اشاره کرد که گروه‌های تکفیری و حامیان ترکی، قطری و سعودی آنها فلسطین را از اولویتهای خود خارج کردند و مقابله با حامیان واقعی فلسطین مثل ایران، سوریه و حزب‌الله را جایگزین آن کردند و درست پس از آن بود که شکاف‌های مذهبی به طور بی‌سابقه‌ای در منطقه افزایش یافت و این دقیقاً همان چیزی بود که رژیم اشغالگر قدس سال‌ها برای آن برنامه‌ریزی کرده بود. بنابراین با بازگشت فلسطین به جایگاه اصلی خود در بین کشورهای اسلامی می‌توان به وحدت بین آنها امیدوار بود، اتفاقی که حتی می‌تواند در هدایت کشورهای اسلامی خاورمیانه به سوی تشکیل یک «اتحادیه منطقه‌ای» مؤثر باشد و ضمن برچیدن اختلافات فرقه‌ای و طائفی‌گری، امنیت را که لازمه توسعه است به منطقه بحران‌زده خاورمیانه بازگرداند.

۲-۶- ارتباط گروه‌های اسلامی کردستان با دیگر جریان‌های اسلامی

یکی دیگر از مسائل مهم، ارتباط میان گروه‌های اسلامی کرد با دیگر گروه‌های اسلامی خاورمیانه است. در این ارتباط می‌توان به تلاش‌های حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه

ترکیه به منظور نفوذ در میان اسلام‌گرایان کرد عراقی اشاره کرد. آک پارتی به منظور دستیابی به اهداف اقتصادی، سیاسی و امنیتی که در منطقه و بخصوص عراق دارد، در ادامه استفاده از ظرفیت اسلام‌گرایان کرد ترکیه همچون حزب هدی‌پار (مبارزه آزاد)، به دنبال استفاده از اسلام‌گرایان کرد اقلیم کردستان نیز بوده چرا که هم از نفوذ معنوی اسلام‌گرایان کرد عراقی آگاه است و هم از علاقه‌ای که این احزاب به فعالیت‌های سیاسی و کسب قدرت دارند. به طور کلی هدف اصلی اردوغان از حمایت از اسلام‌گرایان کرد هم در باکور (شمال) کردستان و هم در باشور (اقلیم کردستان) ضربه زدن به ملی‌گرایی کردی (پ پ ک) در جنوب شرق این کشور و شمال سوریه (خور ثاوا) و رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی خود در کردستان عراق است و در همین رابطه ضمن تقویت حزب کوچک کردی وابسته به بارزانی در کردستان ترکیه، به دنبال گرد هم آوردن هواداران اسلام‌گرای خود در اقلیم کردستان در قالب یک حزب سیاسی است تا به آنچه که به دنبال آن است دست یابد. به عنوان نمونه می‌توان به رابطه میان اتحاد اسلامی کردستان و حزب عدالت و توسعه ترکیه اشاره نمود، رابطه‌ای که در زمان ریاست محمد فرج بر این حزب تا آنجا پیش رفت که این حزب می‌خواست نام خود را به حزب عدالت و توسعه تغییر دهد. اما مسئله مهم ارتباط میان گروه‌های رادیکال اسلامی کردستان با سازمان القاعده است، رابطه‌ای که مورد تأیید احزاب سکولار کردستان و حتی پژوهشگران غربی نیز هست. نمونه آن ارتباط میان انصارالسنه با شاخه القاعده عراق یعنی جماعت توحید و جهاد به رهبری ابومصعب زرقاوی است که در سال‌های اولیه پس از سرنگونی رژیم بعث، عهده‌دار عملیات بر ضد آمریکائی‌ها و گروه‌های شیعی عراقی بودند. در واقع همین پیشینه افراطی یعنی «جهاد در راه خدا و پیوستن به پیامبر (ص) در فردای روز شهادت و هم‌سفره شدن با او» که شعار گروه‌های تندرو در اقلیم کردستان بود، پس از به وجود آمدن داعش در گرویدن بالغ بر ۴۰۰ جوان کرد به آن در کردستان مؤثر افتاد. اقدامات داعش در شنگال و دیگر مناطق شمال عراق به اندازه‌ای غیرانسانی بود که نه تنها احزاب سکولار کرد، بلکه حتی احزاب اسلامی را نیز به واکنش واداشت. علماء و روحانیون کرد با محکوم نمودن داعش، عمل آنها را مخالف شرع خدا و پیغمبر دانستند و ملا علی باپیر امیر جماعت اسلامی کردستان ظهور داعش در عراق را نتیجه تلاش تشکل قومی خاصی برای یکه‌تازی قدرت در عراق دانست.

مسئله دیگر به نقش و جایگاه طریقت نقشبندیه در تحولات سیاسی عراق و اقلیم کردستان بر می‌گردد. بیشتر مشایخ این طریقت اهل کردستان عراق هستند. شهر موصل در شمال عراق یکی از کانون‌های این طریقت است. عزت ابراهیم الدوری معاون صدام نسبت به این طریقت ارادت داشت و همین مسئله باعث نزدیکی آمریکایی‌ها به صوفی‌های موصل جهت ضربه زدن به حکومت بعث عراق شد چرا که نقشبندیه به واسطه ارتباطشان توانسته بودند در نهادهای امنیتی حزب بعث نفوذ کنند. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که چگونه و چرا صوفی‌ها با داعشی‌ها همکاری می‌کردند؟ در حالی که هم به لحاظ فکری و ایدئولوژی و هم به لحاظ عملکرد به هیچ وجه با آنها هم فکر نیستند. اصلاً چرا نقشبندیه و صوفی‌ها دشمن حکومت جدید عراق شدند و علیه دولت مرکزی وارد عمل شدند؟ در جواب باید گفت که اولاً بر اساس اطلاعات حاصله از منابع موثق کردی شاخه موصل طریقت نقشبندیه، برخلاف دیگر شاخه‌های دیگر آن در کردستان دچار انحراف شده و تقوی و پرهیزکاری خود را به خاطر دخالت در کارهای سیاسی، برخلاف رویکرد همیشگی این طریقت که همانا ارائه خدمات اجتماعی بود، از دست داده است. دوم خلف وعده آمریکائی‌ها بعد از سقوط صدام مبنی بر سهیم کردن صوفی‌های نقشبندیه در حکومت آینده عراق بود که باعث نفرت آنها از آمریکا و حکومت فعلی حاکم بر عراق شد. در این جا نیز همانند القاعده که خودداری آمریکایی‌ها به ادامه همکاری با بنیادگرایان اسلامی بعد از پایان جنگ سرد باعث سوق یافتن آنها به سمت فعالیت‌های تروریستی شد، اشتباهات آمریکایی‌ها مؤثر بوده است. سومشاید عملکرد دولت عراق تأثیری بر تغییر رویکرد آنها داشته باشد و در زمان اعتراض‌ها به دولت نوری مالکی آنها نیز نسبت به عملکرد او انتقاد داشتند به ویژه حضور جمعی از افرادی که گفته می‌شود با داعش ارتباط نزدیک دارند و می‌گویند در کردستان حضور دارند نیز به دلیل نفوذ صوفی‌ها و نقشبندیه در میان کردها و در اقلیم کردستان است.

بنابراین، گرفتار شدن فرقه نقشبندیه در چنین وضعیتی، آنها را به سوی گروه‌های اسلامی رادیکال کردی کشاند چرا که یکی از نقاط مشترک هر دو گروه ضربه زدن به اهداف آمریکایی و حکومت مذهبی حاکم بر عراق بود. «جهادگرایی» کماکان برای «امنیت خاورمیانه» تهدید جدی محسوب می‌شود. این تهدید نه تنها در کشورهای درگیر نبرد مثل

سوریه و عراق، بلکه در کشورهایی نظیر مصر و لیبی هم که جهادگران تلاش می‌کنند نیز خطرناک است. اما در کردستان عراق وضعیت به گونه‌ای دیگر است چرا که به دلیل اختلاف بین احزاب سیاسی کرد از جمله حزب دمکرات کردستان و حزب گوران (تغییر) به دلیل طول مدت حضور مسعود بارزانی در ریاست اقلیم کردستان، تعطیلی پارلمان کردستان، ظهور داعش و اختلاف میان بغداد و اربیل، این منطقه از نوعی بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی رنج می‌برد. بدون شک تداوم چنین وضعی زمینه را بار دیگر برای رشد گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا فراهم می‌کند، گروه‌هایی که در صورت سوءاستفاده حامیان نوسلفی‌گری همچون قطر و عربستان از آنها، می‌توانند امنیت اقلیم کردستان، عراق و حتی ایران را نیز به خطر اندازند.

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه امروزه اخوان المسلمین چهره مسالمت‌جویانه‌ای را از خود به جهان معرفی می‌کند. اما شواهد تاریخی حاکی از آن است که تعدادی از گروه‌های جهادی برگرفته از تفکرات این جنبش اسلامی هستند که برای برقراری حکومت اسلامی و احیاء گذشته باشکوه تمدن اسلامی مرتکب اقدامات تندی شده‌اند، اما شدت اقدامات افراطی آنها در حد و اندازه‌ای نیست که قابل قیاس با اقدامات افراطی گروه‌های سلفی - وهابی همچون القاعده و اخیراً داعش باشد چرا که گروه‌های سلفی - وهابی با در پیش گرفتن افراطی‌گری، علاوه بر ایجاد رعب و وحشت در جهان اسلام (عراق، سوریه، یمن، لیبی و...)، باعث ایجاد وحشت در کل جهان (بلژیک، آلمان، فرانسه و...) نیز شده‌اند و به اعتبار جهانی اسلام نیز ضربه وارد کرده‌اند. نگاهی به جغرافیای سیاسی جهان اسلام نشان می‌دهد که از جنوب شرق آسیا تا غرب قاره آفریقا به کانون رقابت و درگیری گروه‌های رادیکال اسلامی تبدیل شده است و دست بر قضا یکی از این نواحی، کردستان عراق است. شکل‌گیری و رشد گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی در این منطقه نتیجه نفوذ آراء و اندیشه‌های اخوان المسلمین مصر در کشور عراق در طول دهه ۱۹۴۰ بود که بعدها این اندیشه‌ها به واسطه نزدیکی موصل به کردستان عراق، دانشجویان کرد مشغول به تحصیل در بغداد و پیشینه مذهبی شهرهای کردستان همچون حلبچه و اربیل به کردستان عراق راه یافت و به واسطه تنوع

قومی - مذهبی کردستان همچون کرد، ترکمن، کلدانی، آشور، سنی، شیعه، قزلباش، یارسان و... از یک سو و فقدان یک مکانیسم سازمانی از جمله مکانیسم حزبی منسجم و کارآمد از سوی دیگر زمینه را برای شکل‌گیری گروه‌های اسلامی کردی اعم از جهادی، سلفی - تکفیری و میانه‌رو همچون جنبش اسلامی کردستان، حماس، وحدت اسلامی، جندالاسلام، انصارالاسلام، انصارالسنه، جماعت اسلامی و اتحاد اسلامی را در کردستان عراق فراهم آورد. این گروه‌های اسلامی بخصوص نوع رادیکال آنها، علی‌رغم شافعی مذهب بودن، به خاطر مشکلات مالی و سیاسی به سمت جریان‌های حنبلی - وهابی کشیده شدند. لذا همین مسئله باعث کشیده شدن پای کشورهای حامی سلفی‌گری به کردستان و حمایت آنها از گروه‌های اسلامی و بعضاً مهاجرت عالمان کرد از جمله ملا کریکار و علی باپیر به این کشورها بخصوص قطر شد. گروه‌های رادیکال اسلامی به منظور اجرای شریعت اسلامی و احیاء خلافت اسلامی چند سال با احزاب سکولار کردستان همچون حزب دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان جنگیدند که جز ایجاد ناامنی و تلفات مادی و معنوی برای کردستان چیز دیگری در بر نداشت. اگرچه امروز دیگر به واسطه شکل‌گیری یک نظام سیاسی فدرالی در منطقه کردستان عراق از یک جهت دیگر مجال برای عرض اندام گروه‌های رادیکال اسلامی کردی نیست و از جهتی دیگر احزاب میانه‌رو اسلامی کردستان همچون جماعت اسلامی و اتحاد اسلامی کردستان با حضور در فضای سیاسی کردستان همچون پارلمان و حکومت ائتلافی اقلیم کردستان باعث ایجاد آرامش در کردستان شده‌اند، اما نباید از نظر دور داشت که هرگونه بی‌نظمی و آشوب در کردستان، در صورت تداوم اختلاف میان احزاب در مورد ریاست اقلیم، بازگشایی پارلمان و... چراغ سبزی برای حضور دوباره این گروه‌های رادیکال اسلامی در فضای سیاسی و اجتماعی کردستان است. اتفاقی که وقوع آن، امنیت را از شهروندان این منطقه می‌گیرد و کردستان را به صحنه جنگ نیابتی میان ترکیه، قطر، عربستان و رژیم صهیونیستی بر ضد جمهوری اسلامی ایران تبدیل می‌کند. لذا تنها راه برای امنیت و توسعه اقلیم کردستان، جلوگیری از ناامنی حاصل از افراطی‌گری در این منطقه رو به توسعه است.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، حمید (۱۳۸۸)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران، کیهان.
۲. احمدی، حمید (۱۳۹۱)، سیر تحول جنبش‌های اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۳. احمدی، حمید، مصاحبه با مسعود بارزانی پیرامون موافقت‌نامه کردهای عراق در واشنگتن، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره‌های ۱۵-۱۴، تابستان و پائیز ۱۳۷۷، صص ۲۰۵-۲۰۱.
۴. حسامی، محمد صدیق (۱۳۹۳)، توحید شرعی نه غربی، سنندج، امام ربانی
۵. حسن محمود، محمد کریم (۲۰۰۲)، کردستان در برابر فتوحات اسلامی، سلیمانیه، چاپخانه تیشک.
۶. حلبی، علی اصغر (۱۳۸۴)، تاریخ نهضت‌های دینی معاصر، تهران، زوار.
۷. رندل، جان‌تاتان (۱۳۷۹)، با این رسوایی چه بخشایشی؟، ترجمه: یونسی، ابراهیم، تهران، پانید.
۸. سید قطب (۱۳۷۸)، معالم فی الطریق، ترجمه محمودی، محمود، تهران، احسان
۹. سیویلی، ادريس (۲۰۰۹)، جریان اسلامی در جنوب کردستان (۱۹۴۶-۱۹۹۱)، کردستان عراق.
۱۰. عنایت، حمید (۱۳۸۱)، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، امیرکبیر.
۱۱. قرضای، یوسف (۱۳۹۴)، فقه سیاسی اهل سنت، ترجمه، سلیمی، عبدالعزیز، تهران، احسان
۱۲. کمجیان، هادی (۱۳۷۲)، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه، احمدی، حمید، تهران، کیهان
۱۳. کوچرا، کریس (۱۳۷۷)، جنبش ملی کرد، ترجمه: یونسی، ابراهیم، تهران، نگاه.
۱۴. محمد، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۵)، اخوان المسلمین مصر، تهران، اندیشه سازان نور.
۱۵. محمودی، اسماعیل، تبارشناسی پیدایش گروه‌های جهادی در کردستان عراق، فصلنامه فرهنگ - اجتماعی زیربار، سال نوزدهم، شماره ۸۸ و ۸۷، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۷۹-۱۸۹.
۱۶. مصطفی، انوشیروان (۱۹۹۸)، په نجه کان یه کتری ئه شکینین (انگشتان همدیگر را می‌شکینیم)، سلیمانیه.
۱۷. موثقی، سید ابراهیم (۱۳۷۴)، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، سمت.

1. Radical Islam in Iraqi Kurdistan: The Mouse That Roared? International Crisis Group (Amman/Brussels, 7 February 2003), P.2.
2. Radical Islam in Iraqi Kurdistan, International Crisis Group, P.3.
3. Jonathan Schanzer, "Ansar al Islam: Iraq al-Qaeda Connection," Policy Watch (15 January 2003).
4. Jonathan Tisdall, "Molla Kierkar Arrested."
5. Amnesty International, Iraq: Human Rights Abuses in Iraqi Kurdistan Since 1991 (London, 1995), P.20.

6. <http://www.en.wikipedia.org/wiki/Kurdistan-Islamic-Union>
7. <http://www.ayandeban.ir/1393/11/carnegie-the-world-in-2015>
8. <http://jahanbinnews.ir/vdcce4qi.2bqse8laa2.html>
9. www.cgie.org.ir/fa/news/13057.
10. www.darivoa.com/a/what-are-the-main-financial-resourc.